



«تیراندازی» به یکی از
رهبران جنبش سیاهپوستان
در جنوب لندن:
«حال او وخیم است»



زندگی در حصار مابین؛
در زندان‌های طالبان چه می‌گذرد؟

صفحه ۳

در تاریخ خواهند نوشت که ...

صفحه ۳

صلح با طالبان براساس
مشارکت دادن آنان در قدرت

سیاسی به دست نمی‌آید (۳)

امکان‌سنجی ایجاد اجماع بر دموکراسی
پارلمانی غیرمتمرکز در افغانستان؛
بررسی یافته‌های یک پژوهش

صفحه ۴

دستان پرآبله و روح زخمی
زنان کارگر خانگی در کابل

صفحه ۵

در کوپتته، دختران هزاره
با فوتبال به جنگ ترورما

و ترس می‌روند



صفحه ۷

یادداشت روز

خیز بلند موج سوم کرونا و دست خالی ما

موج سوم کرونا در افغانستان خیزی بلندی
برداشته است. در یک شبانه‌روز گذشته بر پایه
آمار رسمی با ثبت ۲۴ مورد مرگ و ابتلای ۶۲۸
مورد جدید، افزایش کم‌سابقه‌ی ابتلا و مرگ
ناشی از کرونا در موج سوم کرونا رقم خورده
است. این میزان، بلندترین رقم ابتلا و مرگ‌ومیر
ناشی از کرونا در چند ماه گذشته است. در یک
ماه گذشته، پیوسته آمار مبتلایان جدید و مرگ
ناشی از کرونا در افغانستان در حال افزایش
است. نظر نهادهای رسمی و مسئول این است
که افغانستان وارد موج سوم کرونا شده و در
حال ورود به شرایط هشدارآمیز است.

احتمال بسیار می‌رود که وضعیت واقعی بدتر
از آمارهای رسمی باشد. عمدتاً وزارت صحت
عامه افغانستان آمارهایی را نشر می‌کند که
شهروندان به‌طور داوطلبانه به مراکز تشخیص
و درمان بیماری کرونا مراجعه می‌کنند. در حال
حاضر درصد ابتلا به کرونا حدود ۲۰ درصد
برآورد شده است. اما بسیاری به دلیل بی‌باوری
به مراکز صحت مراجعه نمی‌کنند. در گذشته
تفاوت میان آمار رسمی وزارت صحت عامه و
میزان واقعی...

۲

یافته‌های هیأت مجلس نمایندگان از سقوط چرخ‌بال در بهسود؛ نه نتیجه‌گیری علنی شد و نه عامل حمله مشخص

به‌دنبال ساقط شدن یک چرخ‌بال نوع «MI-17» نیروهای هوایی کشور در ولسوالی حصه‌ی اول بهسود ولایت میدان‌وردک،
کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان در تاریخ ۱۰ حمل هیأتی را برای بررسی چگونگی این رویداد تعیین
کرد. این هیأت پس از حدود ۲۰ روز تحقیق، نتایج بررسی‌هایش را ارائه کرد.



صفحه ۴

ادعای فساد
در گمرکات؛
سرپرست وزارت
مالیه برای اثبات
ادعایش در مجلس
حاضر نشد



۲

کابینه‌ی افغانستان طرح استقلالیت
شفاخانه‌های دولتی را تصویب کرد

اطلاعات روز: فضل‌محمود فضلی، رئیس عمومی
اداره امور ریاست‌جمهوری می‌گوید که کابینه‌ی
دولت جمهوری اسلامی افغانستان طرح استقلالیت
شفاخانه‌های دولتی را تأیید و تصویب کرده است...

۲

عفو بین‌الملل:
بُن بست در
مذاکرات صلح
حقوق زنان افغان
را در معرض خطر
قرار داده است



۲

فروش خانه رهائشی

خانه رهائشی به مساحت {896 متر مربع} واقع {تاحیه 11 لیسه مریم، کابل -افغانستان} به قیمت
مناسب به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره
تلیفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

میتلایان به کرونا از زمین تا آسمان بود. بسیار محتمل است که این سناریو همچنان در حال تکرار باشد.

این روزها کسی اعتنایی به توصیه‌های بهداشتی نظیر شستن دست‌ها، حفظ فاصله با دیگران و پوشیدن ماسک ندارند. تقریباً می‌توان گفت در برابر خطر بزرگی که در حال فراگیر شدن است، کرختی مطلق وجود دارد. این بی‌اعتنایی تنها به شهروندان محدود نمی‌شود. در نهادهای حکومتی و ادارات خدمات عامه خبری از حفظ پروتکل‌های بهداشتی نیست. دولت افغانستان نیز افزایش آمار روزانه‌ی ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا را جدی نمی‌گیرد. وزارت صحت عامه به‌عنوان نهاد مسئول در روزهای عید از تجمع و غفلت از پروتکل‌های صحتی هشدار داد. اما در روز عید ارگ ریاست‌جمهوری نماز عید را با حضور صدها نفر و بدون رعایت کمترین فاصله‌گذاری و حفظ پروتکل‌های بهداشتی برگزار کرد.

بی‌اعتنایی نهادهای مهم حکومتی به دستورالعمل‌های صحتی شهروندان را به خطر کرونا بی‌باورتر می‌سازد. اگر موج سوم کرونا در افغانستان یک خطر جدی است، این وضعیت جدی گرفته شود. اگر نهادهای حکومتی هشدارها را جدی نگیرند، شهروندان به‌طور قطع به رعایت پروتکل‌های پیشگیرانه از شیوع کووید ۱۹ بی‌اعتنایی می‌کنند. بنابراین نیاز است که محدودیت‌های تازه با جدیت اعمال شود. همچنان برنامه واکسیناسیون باید سریع و نظام‌مند شود. در حال حاضر بسیاری از شهروندان حاضر نیستند واکسین کرونا را تطبیق کنند. بازار شایعات گرم است. بسیار ناامیدکننده است که مردم شایعات را بیشتر از حرف نهادهای مسئول می‌پذیرند. این وضعیت در مدیریت ناکام، ضعیف و فساد گسترده ربط می‌گیرد.

چرا باید نگران موج سوم کرونا بود؟ به این دلیل که افغانستان دارای نظام بهداشتی ضعیف هرگز نمی‌تواند به پاندمی سوم پاسخ مناسب دهد. از نظر مدیریتی و امکانات افغانستان قادر نیست از پس این بحران بیرون بیاید. تقریباً دست افغانستان خالی است. اگر در پی گسترش سریع ویروس جهش‌یافته کرونا، شهروندان رهنمودهای بهداشتی را مراعات نکنند، کنترل وضعیت برای نهادهای صحتی افغانستان ناممکن است. این بحران تازه کشورهای با قدرت نظام بهداشتی مثل هند را در کام یک فاجعه تمام‌عیار فرو برده و زمین‌گیر کرده است. افغانستان توان رویارویی با یک وضعیت اضطراری را ندارد. آنچه گفته می‌شود، عمدتاً شعارهای روی کاغذ است.

بنابراین فوری‌ترین اقدام در حال حاضر این است که نباید بی‌باوری مردم به خطر کرونا ادامه یابد. باید حرف و عمل نهادهای مسئول، به‌ویژه رهبران حکومتی که در اعتنا به خطر کرونا الگویی برای شهروندان است، یکی باشد. دوگانگی در حرف و عمل مصداق این گفته معروف است «چو کفر از کعبه برخیزد، کجا ماند مسلمانی».



اطلاعات روز: سازمان عفو بین‌الملل گفته است که خروج نظامیان خارجی از افغانستان و بُن‌بست در مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و طالبان، حقوق و دستاوردهای دو دهه‌ی زنان افغانستان که به سختی به‌دست آمده است، را در معرض خطر جدی قرار داده است.

این سازمان دیروز (دوشنبه، ۳ جوزا) در اعلامیه‌ای گفته است که تاریخ جدید برای برگزاری نشست استانبول که قرار بود در جریان ماه اپریل برگزار شود، هنوز مشخص نشده و با این وضعیت، افغانستان در مقطع حساسی قرار گرفته است.

یمینی می‌شیرا، مدیر بخش آسیا در سازمان عفو بین‌الملل گفته است: «افغانستان در یک مقطع حساس قرار دارد. مذاکرات صلح متوقف است و جنگ در افغانستان هر روز از غیرنظامیان قربانی می‌گیرد. علاوه بر این،

خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، این کشور را به سمتی پیش می‌برد که دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر زنان و دختران را تهدید می‌کند.»

می‌شیرا همچنین گفته است که اکنون وقت آن است تا دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی اش بدون چون و چرا تعهد کنند که حقوق زنان و دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر در گفت‌وگوهای صلح با طالبان معامله نمی‌شود.

در اعلامیه‌ی سازمان عفو بین‌الملل آمده است؛ در حالی که کارهای زیادی برای انجام دادن باقی مانده است، زنان از ۲۰۰۱ میلادی تا کنون پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند. طبق این اعلامیه، حدود ۳،۳ میلیون دختر به مکتب می‌روند و زنان در مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سهمیم هستند. سازمان عفو بین‌الملل

کابینه‌ی افغانستان طرح استقلالیت شفاخانه‌های دولتی را تصویب کرد

طرح استقلالیت شفاخانه‌های دولتی در چند مرحله اجرایی خواهد شد.

به‌گفته‌ی او، با اجرایی شدن این طرح، شفاخانه‌های دولتی برای تهیه‌ی وسایل و تجهیزات خود دیگر مکلف به روند بروکراتیک کاغذپرانی نیست. فضلی در ادامه گفته است که با اجرای این طرح، شفاخانه‌های دولتی با یک‌دیگر به رقابت خواهند پرداخت و وزارت صحت عامه تنها نقش نظارتی خواهد داشت.

استخدام کند. همین‌طور هر شفاخانه در حالات اضطرار قابلیت این را دارد که خود روند تدارکاتش را به پیش بربرد.

در همین حال، رییس عمومی اداره امور ریاست‌جمهوری نوشته است که شفاخانه‌ها با این همه اختیارات، مکلف‌اند که به شکایت‌های مردمی پاسخگو باشند و کم‌کاری‌های خود را بر عهده‌ی کسی دیگر نیاندازند. آقای فضلی همچنین نوشته است که

شفاخانه‌های دولتی را «تحول تاریخی» در عرصه‌ی صحت خوانده و گفته است که اجرایی شدن این طرح، در ارائه‌ی خدمات صحتی به مردم تأثیر مثبت دارد. فضلی در ادامه نوشته است که براساس طرح تصویب‌شده، پس از این به جای وزارت صحت عامه، بودجه‌ی مشخصی برای هر شفاخانه در نظر گرفته می‌شود. به‌گفته‌ی او، هر شفاخانه می‌تواند که به‌صورت مستقلانه افراد واجد شرایط را

اطلاعات روز: فضل محمود فضلی، رییس عمومی اداره امور ریاست‌جمهوری می‌گوید که کابینه‌ی دولت جمهوری اسلامی افغانستان طرح استقلالیت شفاخانه‌های دولتی را تأیید و تصویب کرده است. آقای فضلی در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود نوشته است که این طرح در نشست دیروز (دوشنبه، ۳ جوزا) کابینه تأیید و تصویب شده است. او فیصله‌ی کابینه در مورد استقلالیت

ادعای فساد در گمرکات؛

سرپرست وزارت مالیه برای اثبات ادعایش در مجلس حاضر نشد

به‌خاطر ثابت‌نکردن ادعایش، به دادستانی کل معرفی کند.

با این حال، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان ضمن تأکید بر افشاسازی افراد دخیل در تقریری‌ها و فساد، افزود که از افشای نام‌های «دزدان دارایی‌های عامه» نمی‌گذرد و این مسأله را بی‌گیری می‌کند. آقای رحمانی به دبیرخانه‌ی این مجلس هدایت داد تا با سرپرست وزارت مالیه در این مورد صحبت کند و هرچه زودتر، در یک نشست فوق‌العاده‌ی مجلس، نام‌های افراد متهم به فساد را افشا کند.

حضور باید، معین مالی و اداری‌اش را فرستاده بود، اما نمایندگان مجلس به او اجازه‌ی حضور را ندادند. پنج نفر به نمایندگی از پنج کمیسیون مجلس نمایندگان صحبت کردند و از میررحمان رحمانی، رییس این مجلس خواستند تا اگر معین مالی و اداری فهرست افراد متهم به قضیه‌ی فساد در گمرکات را با خود نیاورده باشد، برایش اجازه‌ی حضور در مجلس داده نشود.

این نمایندگان همچنین از رییس مجلس خواستند تا سرپرست وزارت مالیه را

و اعضای مجلس نمایندگی در مقرری‌ها و حیف‌ومیل در گمرکات دست دارند. آقای پاینده در آن زمان گفته بود که روزانه دست‌کم هشت میلیون دالر در گمرکات کشور حیف‌ومیل می‌شود. به دنبال این ادعا، نمایندگان مجلس از او خواستند که در این باره اسناد و شواهد ارائه کند. او در آن زمان از ارائه‌ی شواهد خودداری کرد و تصمیم گرفته شد که دیروز برای ارائه‌ی اسناد در نشست عمومی مجلس حاضر شود.

سرپرست وزارت مالی به‌جای آن‌که خودش در نشست استجوابی مجلس

اطلاعات روز: محمدخالد پاینده، سرپرست وزارت مالیه در نشست استجوابیه‌ی دیروز (دوشنبه، ۳ جوزا) مجلس نمایندگان حاضر نشد.

طبق آجندای مجلس، او قرار بود در مورد ادعای هفته‌ی گذشته‌اش مبنی بر دست‌داشتن شماری از مقام‌های حکومتی و اعضای مجلس در تقریری‌ها و حیف‌ومیل در گمرکات اسناد و شواهد ارائه کند.

آقای پاینده هفته‌ی گذشته در یک نشست استجوابیه‌ی مجلس نمایندگان گفته بود که شماری از مقام‌های حکومتی

نیروهای کماندو هشت نظامی را از یک زندان طالبان در بغلان رها کردند

کرده بودند.

از سوی هم، هشت نظامی درحالی به تازگی از زندان طالبان در بغلان رها شده‌اند که از چند روز به این طرف جنگ در ولسوالی‌های مختلف این ولایت به‌شمول بغلان مرکزی ادامه دارد.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. نیروهای ارتش در اواخر سال گذشته نیز در چندین عملیات، شماری از نظامیان و غیرنظامیان را از زندان‌های طالبان در ولایات مختلف از جمله بغلان، هلمند، هرات، نیمروز و... رها

۲ جوزا) بالای زندان طالبان در روستای «عمرخیل» ولسوالی بغلان جدید ولایت بغلان راه‌اندازی شده است. در این خبرنامه مشخص نشده است که نظامیان رهانده مربوط کدام نهاد امنیتی (ارتش، امنیت ملی و پولیس ملی) هستند.

اطلاعات روز: وزارت دفاع کشور اعلام کرده است که هشت نظامی در نتیجه‌ی عملیات نیروهای کماندو از یک زندان طالبان در ولایت بغلان رها شده‌اند.

در خبرنامه‌ی این وزارت آمده است که این عملیات دو شب پیش (یک‌شنبه،

مقدار واکسین کرونای کم‌شده‌ی چین به افغانستان به ۷۰۰ هزار دوز افزایش می‌یابد

خبرنگاران، کارمندان دولتی و نهادهای خصوصی، بزرگسالان، زندانیان و... را شامل می‌شود واکسین کرونا در یافت کرده‌اند.

از سوی هم، آمارهای رسمی وزارت صحت نشان می‌دهد که تا کنون نزدیک به ۶۷ هزار نفر در افغانستان به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند که از این میان، بیش از ۵۶ هزار نفر بهبود یافته و بیش از دوهزار و ۸۰۰ نفر دیگر جان داده‌اند.

مورد نظر از سوی سازمان صحتی جهان تأیید نشده بود، تا کنون به تأخیر افتاده است.

افغانستان تا کنون بیش از ۹۰۰ هزار دوز واکسین کرونا را در دو محموله دریافت کرده است. این مقدار واکسین از سوی هند و سازمان کوآکس در اختیار دولت افغانستان قرار گرفته است.

براساس آمار رسمی وزارت صحت عامه، تا کنون حدود ۵۵۰ هزار شهروند افغانستان که عمدتاً کارمندان صحتی، آموزگاران،

دوز افزایش یافته است. آقای نظری همچنین گفت که وانگ یو، سفیر چین در کابل در آخرین دیدارش با وحید مجروح، سرپرست وزارت صحت عامه تعهد سپرده است که به‌زودی ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا را در اختیار دولت افغانستان قرار می‌دهد.

سخن‌گوی وزارت صحت عامه گفت که دولت چین قرار بود حدود یک ماه پیش واکسین کم‌شده را به دولت افغانستان تحویل دهد، اما به دلیل این که واکسین

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که میزان واکسین کرونا که قرار است از سوی دولت چین به افغانستان کمک شود، از ۴۰۰ هزار دوز به ۷۰۰ هزار دوز افزایش یافته است.

دستگیر نظری، سخن‌گوی وزارت صحت عامه دیروز (دوشنبه، ۳ جوزا) به روزنامه اطلاعات روز گفت که چین قبلاً ۴۰۰ هزار دوز واکسین کرونا به افغانستان تعهد کرده بود، اما با پا درمیانی وزرات خارجه‌ی کشور این مقدار به ۷۰۰ هزار

■ واچد روحانی - هرات

«توسط موتر مسافربری از هرات به سمت کابل در حرکت بودم و این موتر در ایست بازرسی طالبان در ولسوالی مقر متوقف شد و یک طالب من را از خواب بیدار کرد و پس از پنج دقیقه دست و پای من را بسته کردند و به زندان منتقل کردند.»

این آغاز داستان اسارت ۱۱ ماهه احمدشکیب افضل‌زاده، باشنده هرات در نزد طالبان است. می‌گوید وحشت نخستین لحظه‌ی روبه‌رو شدن با طالبان را هرگز فراموش نمی‌کند: «وقتی جنگ‌جوی طالبان را دیدم، روح از بدن من جدا شد. اولین بار بود که با خشونت برمی‌خوردم و در طول عمر با چنین وحشتی برنخورده بودم.»

احمدشکیب افضل‌زاده حدود یک سال در زندان طالبان تجربه‌ی سخت و طاقت‌فرسایی را داشته است. وقتی به دیدار او که به‌تازگی از این بند رها شده، رفتم، با مقایسه عکس‌های گذشته و وضعیت امروزش می‌گوید یک سال زندان طالبان ۲۰ سال او را پیرتر کرده است؛ کنایه از روزهای سخت و شرایط طاقت‌فرسا و غیرانسانی در زندان‌های طالبان.

طالبان هرگز بدرفتاری با زندانیان را نپذیرفته‌اند. این گروه مدعی است که با اسیران و زندان‌ها براساس رافت اسلامی برخورد می‌کند، اما روایت احمدشکیب از درون زندان‌های طالبان گویای واقعیتی است که با ادعای طالبان هم‌خوانی ندارد. بدرفتاری، تحمیل شرایط غیرانسانی، شکنجه زندانیان، اعترافات اجباری، دست‌رسی نداشتن به عدالت و حقوق انسانی در زندان‌های این گروه بسیار گسترده است.

■ اعترافات اجباری

وقتی احمدشکیب به دام طالبان افتاد، یک کارمند ساده دولتی بود. پس از بازداشت برای یک ماه، طالبان از احمدشکیب درباره‌ی عضویت در حکومت افغانستان تحقیق می‌کردند. او می‌گوید باید به چیزی که بازجویان طالب می‌گفتند، اعتراف می‌کرده است: «اولین بار بود که در عمر خود زندانی می‌شدم، آن‌هم در زندان‌های طالبان. در مدتی که در بند طالبان بودم، حتا نتوانستم ستاره‌ها را در شب ببینم. در یک سال درست از آب‌وهوا استفاده نکردم. وقتی من را از یک زندان به زندان دیگر منتقل می‌کردند، دست، پا و چشم من را می‌بستند.»

احمدشکیب دوران حبس‌اش را در هفت

■ زندگی در حصار ماین؛

■ در زندان‌های طالبان چه می‌گذرد؟



گفته‌های احمدشکیب و منطق زندانیان بدهکار نبوده است: «من برای‌شان می‌گفتم که کارمندان شرکت آب‌رسانی هستم و با چپات (سیلی) من را می‌زدند. طالبان فرق بین وزارت و ریاست را نمی‌فهمیدند. برای من می‌گفتند که اگر تو برای رضای خدا کار می‌کردی. پس چرا معاش می‌گرفتی؟ برای ما می‌گفتند که هر کس این‌جا در بند است، با کفار همکاری می‌کرده است.»

به گفته‌ی احمدشکیب، در زندان‌های طالبان افراد بی‌گناهی زیادی در شکنجه و شرایط نامساعد به‌سر می‌برند. او هنوز چهره یک هم‌بند خود را خوب به خاطر دارد که طالبان در روزهای آتش‌بس عید سال گذشته او را گرفتار کرده است. طالبان عادل، یک فرمانده نیروهای دولتی را هنگام عبور از مقر غزنی بازداشت کرده بودند. این در حالی است که طالبان در زمانی که آتش‌بس اعلام کرده بودند، اطمینان داده بودند که به نیروهای وابسته به حکومت افغانستان کاری ندارند.

■ روایت «مثنوی هفتاد من»

احمدشکیب که از نزدیک زندان‌های طالبان را دیده، معتقد است که در عملکرد گروه طالبان تغییری مبنی بر پذیرفتن حقوق شهروندی ایجاد نشده است و این گروه بر اصل برائت متهمان، منع شکنجه، منع گرفتن اعتراف اجباری، ممنوعیت هتک حرمت و حق دسترسی به درمان در زندان‌های‌شان باور ندارد. برخلاف گفته‌های طالبان خبری از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی در این زندان‌ها نیست.

روایت یک سال زندگی احمدشکیب از زندان‌های طالبان و بی‌عدالتی گسترده که او در این مدت دیده «مثنوی هفتاد من» است. او تصمیم دارد در یک فرصت مناسب خاطرات این یک سال را کتاب کند. هرچند چند روز است که شکیب به خانه برگشته و جسم او در زندان طالبان نیست، اما روان او هرگز از روزهای طاقت‌فرسا در زندان طالبان و یاد و خاطر هم‌بندی‌هایش رهایی نیافته است. اکنون او رویای بزرگی در ذهن دارد، تا با دست کشیدن طالبان از جنگ و همچنین تغییر در ذهنیت طالبان، زندان‌های طالبان از زندانیان خالی شود و مانند او این زندانیان به آغوش گرم خانواده‌شان برگردند: «من سه شب می‌شود که در هرات هستم، اما در این مدت نیم ساعت هم به آرامی خواب نکردم. همیشه زندانیان به یاد من می‌آیند. باید آنان هم رها شوند.»

و از هر گروهی زندانی طالبان است. به روایت احمدشکیب، در کنار شکنجه جسمی، آزار و اذیت روحی نیز در زندان‌های طالبان انجام شده است. به گونه‌ی مثال او هنوز شکنجه یکی دانش‌آموز صنف هشتم مکتب را به خاطر می‌آورد که طالبان به اتهام جاسوسی او را گرفتار و به قدری شکنجه کرده بود که مرگ بر زندگی را در زندان طالبان ترجیح می‌داد: «برای ۴۶ روز در مسجد این نوجوان را شکنجه می‌کردند. هنوز وی در زندان است و مجبور شده بود که بین پیشنهاد طالبان یعنی مرگ و هشت سال زندان، مرگ را انتخاب کند، اما با اصرار من زندان را قبول کرد.»

شکیب می‌گوید این نوجوان دانش‌آموز و هم‌بند او بارها در زندان برایش گفته‌اند که دیگر طاقت شکنجه و زندان طالبان را ندارد.

■ گوش بازجویان طالب به منطق بدهکار نیست

احمدشکیب را به‌عنوان معاون وزارت انرژی و آب بازداشت کرده بودند و بارها کوشش کرد، تا به طالبان بفهماند که کارمند عادی ریاست آب‌رسانی است و در بخش نظامی فعالیت ندارد، اما گوش طالبان به این

زندانیان و کارگذاری ماین در اطراف زندان تا شکنجه زندانیان. گروه طالبان بارها به زندانیان به‌شمول احمدشکیب هشدار داده بودند که در صورت حمله حکومت بر زندان‌های‌شان، ماین‌های کارگذاری‌شده در اطراف این زندان را منفجر خواهند کرد تا هیچ کس زنده از زندان بیرون نشود: «بعد از یک تا دو ماه برای یک ساعت مدت تنها سه بار برای یک ساعت از زندان بیرون شدیم و آفتاب را می‌دیدیم و آن‌هم برای کالاشویی.»

روایت شکیب از وضعیت زندان‌های طالبان دردناک است. او می‌گوید در این مدت در زندان‌هایی نگهداری شده است که نم داشته و به کمترین امکانات بهداشتی نیز دسترسی نداشته است: «در زندان‌های طالبان نه غذای مناسب بود و نه هم برخورد درستی با ما می‌کردند. در کل مشکلات ما زیاد بود و در هر زندان تا ۳۵ نفر نگاه‌داری می‌شدند. تشناب داخل زندان بود. یک معجزه بود که آزاد شدم.»

■ زندگی در حصار ماین

احمدشکیب، صحنه‌های خطرناکی در دوران حبس‌اش در نزد طالبان مشاهده کرده است؛ از ساخت بمب‌های دست‌ساز جلو چشم

■ در تاریخ خواهند نوشت که ...

■ سخیداد هاتف

• در تاریخ خواهند نوشت که وقتی نیروهای اردوی ملی افغانستان عقب‌نشینی تاکتیکی می‌کردند، در هر جبهه شصت-هفتاد سرباز خود را نیز به‌صورت تاکتیکی نزد دشمن گروگان می‌گذاشتند. در این عقب‌نشینی‌های تاکتیکی ده‌ها تانک و موتر و صدها میل تفنگ و صندوق مرمی را به این خاطر تسلیم دشمن می‌کردند تا دشمن بفهمد که عقب‌نشینی تاکتیکی است و نیروهای حکومتی روزی برخوانند گشت و از دشمن زبون و ترسو بازخواست خواهند کرد.

• در تاریخ خواهند نوشت که حزب جمعیت اسلامی بیانه نوشت و حملات وحشیانه‌ی اسرائیل بر مناطق فلسطینی را به‌شدت محکوم کرد. جمعیت اسلامی به مردم فلسطین اطمینان داد که هرچند مردم افغانستان هر شب الله الله می‌کنند که نان فردای خود را از کجا پیدا کنند، هرگز برادران فلسطینی خود را تنها نخواهند گذاشت.

• در تاریخ خواهند نوشت که رییس‌جمهور افغانستان، محمد اشرف غنی، همیشه خیلی بزرگ می‌اندیشید. وقتی به او می‌گفتند معاش سربازان داده نشده، می‌گفت با این چیزهای کوچک ذهن مرا از تکمیل کردن پروژه‌ی امان‌الله خان منحرف نکنید. وقتی به او می‌گفتند در چاریکار سیل آمده، می‌گفت من فعلا مشغول تدریس اقتصاد غنوی (همان اغنصاد)

به رییس‌جمهور و وزیر مالیه‌ی دولت برزیل هستم. وقتی به او می‌گفتند فلان مامور در فلان ولسوالی تخلف کرده، می‌گفت از والی تا چوکیدار تا معلم و قوماندان امنیه همه را برطرف کنید. این رییس‌جمهور بزرگان‌دیش آدم‌های بیکاره‌ی دولت را جمع می‌کرد جمع می‌کرد و وقتی تعدادشان به پانزده می‌رسید، همه‌شان را یکجایی از کار سبک‌دوش می‌کرد.

• در تاریخ خواهند نوشت که در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی اکثر مردم افغانستان هرچه را در دست داشتند بر زمین گذاشتند و وارد میدان «یوتیوب» گردیدند. ژورنالیست یوتیوبر شد؛ استاد دانشگاه یوتیوبر شد؛ دکاندار یوتیوبر شد؛ رهبر حزب یوتیوبر شد؛ زن یوتیوبر شد؛ مرد یوتیوبر شد؛ پیر یوتیوبر شد؛ جوان یوتیوبر شد. یکی از یوتیوبران ویدیویی تهیه کرد که در آن پیرمردی خرخر می‌کرد و یوتیوبر می‌گفت «دوست‌ها، ببینید که پدرم تاج سرم به چه شکل در حال رحلت از این جهان می‌باشد.»

• در تاریخ خواهند نوشت که حکومت افغانستان مخالفان محترمی داشت به‌نام گروه تروریستی طالبان. هر بار که این گروه می‌خواست یک ولایت را با هیاهو و غالمغال سقوط بدهد و با مشکل برمی‌خورد و در نتیجه مجبور می‌شد آن مشکل را از طریق خشونت نظامی حل کند (و هر بار هم موفق می‌شد)، تمام ارکان حکومت یک‌صدا می‌گفتند که برادران، خشونت راه حل نیست، لطفا دست از

خشونت بردارید. طالبان می‌گفتند ما که از طریق خشونت حلش کردیم. حکومت می‌گفت «درست، ولی خشونت راه حل نیست.»

• در تاریخ خواهند نوشت که رییس‌جمهور مملکت می‌گفت پنجاه درصد عواید گمرکی ما حیف و میل می‌شوند. اگر کسی از او می‌خواست که جلو این حیف و میل را بگیرد، می‌گفت «مقدار برقی که ما می‌توانیم از بند سروبی و برونته و درونته تولید کنیم، می‌تواند نصف کشور زیمبابوه را از تاریکی نجات بدهد. تنها معدن حاجیگک ما می‌تواند چین را در سال ۲۰۹۵ میلادی با شکست قطعی مواجه کند.»

• در تاریخ خواهند نوشت که حاجی محمد محقق، مشاور ارشد رییس‌جمهور، و عظامحمد نور، مشاور ارشد رییس‌جمهور در آینده‌ی نزدیک، در ربع اول سال ۱۴۰۰ شمسی کمترین دیدارهای مردمی در بیست سال اخیر عمر خود را داشتند. آقای محقق فقط توانست با هفت و نیم میلیون نفر دیدار کند. آقای نور (بنا بر روایت انجمن سخن مزار شریف) تنها هشت میلیون و چهارصد هزار نفر را به حضور پذیرفت. این در حالی است که داکتر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، در این مدت

■ طنز



چهل و هفت میلیون میهمان داشت و شصت و چهار هزار و سه صد و بیست بار لباس پذیرایی تبدیل کرد.

• در تاریخ خواهند نوشت که در سال‌های قبل از فرار رییس‌جمهور از کشور والی‌هایی که او تعیین می‌کرد، از شهرهای ممالک دیگر وظیفه اجرا می‌کردند. والی فاریاب از شهر مینسک در بلاروس، والی بلخ از اسلام‌آباد پاکستان و والی غزنی از کلکته در هندوستان در خدمت مردم بودند. یکی از والی‌ها به مدت شش ماه و بیست روز در هلیکوپتر وزارت دفاع می‌زیست و می‌گریست.

جلیل رونق

به‌دنبال ساقط شدن یک چرخ‌بال نوع «MI-17» نیروهای هوایی کشور در ولسوالی حصه اول بهسود ولایت میدان‌وردک، کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان در تاریخ ۱۰ حمل هیأتی را برای بررسی چگونگی این رویداد تعیین کرد. این هیأت پس از حدود ۲۰ روز تحقیق، نتایج بررسی‌هایش را ارائه کرد.

مرسل نبی‌زاده، عضو هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان که در نشست عمومی دیروز (دوشنبه، ۳ جوزا) این مجلس متن گزارش هیأت را می‌خواند، نتیجه‌ی گزارش هیأت را علنی نکرد و این موضوع جنجالی شد. خانم نبی‌زاده گفت که یک «راکت دوربرد هدایت‌شونده» این چرخ‌بال نیروهای هوایی را ساقط کرده است. او به‌نقل از اظهارات مسئولان امنیتی میدان‌وردک افزود که این راکت از یک مکان مجهز و در شب شلیک شده بود.

علی‌اکبر جمشیدی، عضو دیگر این هیأت با اعتراض به همگانی‌نکردن نتایج گزارش گفت که در بخش نتیجه‌گیری موضوعات مهم و اساسی درباره‌ی چگونگی ساقط چرخ‌بال مطرح شده است: «ادعاها این است که گویا چرخ‌بالی که سقوط داده شده، توسط راکت هدایت‌شونده ساقط شده است.» به گفته‌ی او، اما مسئولان ارگان‌های دفاعی به اعضای هیأت گفته‌اند هنوز به این «یقین» نرسیده‌اند که چرخ‌بال با سلاح «راکت رهبری‌شونده ساقط شده یا توسط آربی‌جی».

آقای جمشیدی همچنان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که مسئولان امنیتی هنگام بررسی هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی، به اعضای آن صرفاً گفته‌اند که نوعیت راکت شلیک‌شده «ممکن» هدایت‌شونده بوده باشد.

مرسل نبی‌زاده اما در پاسخ به این انتقاد علی‌اکبر جمشیدی گفت که نتیجه‌گیری یافته‌های کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی را به مشوره‌ی میرحیدر افضلی، رییس این کمیسیون ارائه نکرده است. همچنین خانم نبی‌زاده در هنگام ارائه گزارش افزود که اعضای هیأت از چرخ‌بال ساقط‌شده و محل حادثه نیز بازدید کرده‌اند.

این گفته‌ها در حالی مطرح شد که در بخش‌هایی از گزارش که خانم نبی‌زاده می‌خواند، چشم‌دید این هیأت روایت نشده است. علی‌اکبر جمشیدی در این باره گفت

که تمامی یافته‌های این هیأت براساس اظهارات مسئولان گرفته شده و نظر کارشناسان و مردم در آن گنجانده نشده است.

مهدی راسخ، عضو دیگر کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز هم گفت که در گزارش بررسی هیأت این کمیسیون از سقوط چرخ‌بال ارتش صرفاً روایت‌های مسئولان بازگو شده است. او این گزارش را ناقص خواند و گفت که بررسی چگونگی سقوط چرخ‌بال ارتش نیازمند کار مسلکی و تحقیقاتی است. به گفته‌ی آقای راسخ، بررسی چگونگی سقوط چرخ‌بال نیازمند امکانات و توانایی بیشتر است.

همچنین در گزارش هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی، به نقل از مسئولان ارگان‌های دفاعی نقل شده است که در جعبه‌ی سیاه چرخ‌بال، تنها چند جمله‌ی کوتاه خلبان ثبت شده است. در نخست خلبان گفته که یک فیر هاوان در نزدیکی چرخ‌بال اصابت کرده است. به تعقیب آن هم او تقاضای پرواز عاجل را کرده است. در گزارش هیأت تأکید شده است که خلبان همچنین گفته است که سرعت را برای خروج از منطقه‌ی خطر افزایش می‌دهد.

همچنین در نسخه‌ای از نتایج این گزارش که در اختیار روزنامه اطلاعات روز قرار گرفته، آمده است که با وجود هواپیماهای کشفی PC-12 و AC-208، وزارت دفاع ملی تدابیر برای احتمال وقوع سقوط چرخ‌بال‌ها در ولسوالی حصه اول بهسود، را روی‌دست نگرفته بود. در این بخش گزارش تأکید شده است که مسئولان وزارت دفاع گفته‌اند که نوعیت راکت هنوز «مبهم» است.

با این حال در نتایج گزارش آمده است که مدیریت امنیت ملی ولسوالی حصه اول بهسود به‌دلیل شریک‌نکردن هیچ گونه اطلاعات کشفی و استخباراتی قبل از وقوع حوادث با مسئولان و مراجع مربوطه، به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شود.

نتایج بررسی هیأت چیست؟

در تاریخ ۲۷ حوت یک چرخ‌بال نوع MI-17 لوی ویژه‌ی ۷۷۷ نیروهای هوایی کشور در مرکز ولسوالی حصه اول بهسود سقوط داده شد. در نتیجه‌ی این رویداد ۹ نفر به‌شمول چهار عملی پرواز و پنج نیروی ویژه‌ی پولیس ولایت بامیان کشته شدند. اکنون هیأت پنج‌نفری کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان

یافته‌های هیأت مجلس نمایندگان از سقوط چرخ‌بال در بهسود؛

نه نتیجه‌گیری علنی شد
و نه عامل حمله مشخص

سقوط چرخ‌بال در بهسود، عکس، وزارت دفاع

است. این ویدیو نشان می‌دهد که یک راکت از عقب و در قسمت بالای چرخ‌بال به آن اصابت می‌کند و در نتیجه چرخ‌بال ساقط می‌شود.

چه کسی عامل سقوط چرخ‌بال است؟ مرسل نبی‌زاده گفت: «جهت اکمالات، روتیشن پرسنل تازه‌نفس از مرکز به ولسوالی بهسود ولایت میدان‌وردک به تعداد چهار بال چرخ‌بال فرماندهی لوی خاص ۷۷ هوایی تک‌بال طیاره‌ی کشفی PC-12 به‌منظور IPB (آماده‌سازی دریافت اطلاعات از فضا) حوالی ساعت ۱۱:۴۰ شب به ولسوالی بهسود پرواز کرد که حین رسیدن چرخ‌بال برای پایین‌نمودن وزن و پرسنل امنیتی، تخلیه‌ی شهدا و زخمی‌ها از ساحه، توسط افراد مسلح غیرمستول زیر آتش مستقیم سلاح ثقیله و خفیفه قرار گرفت.»

طبق معلومات گزارش، همزمان با این رویداد، یک هواپیما نوع «AC-208» مجهز با راکت در فضا نیز در حال پرواز بوده است. این هواپیما به‌دلیل نداشتن دستور اجراءات عملیات از سوی مقام‌های ذیصلاح ارگان‌های دفاعی، از انداختن بر پاسگاه آنتن خودداری می‌کند. نیروهای هوایی اما ساعتی پس از سقوط چرخ‌بال بر این پاسگاه حمله‌ی هوایی را راه‌اندازی می‌کنند. در نتیجه‌ی این حمله، هفت نفر از افراد وابسته به عبدالغنی علی‌پور، فرمانده محلی در ولایت میدان‌وردک کشته شده‌اند.

هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان همچنان ویدیویی را که از سقوط این چرخ‌بال قبل از این در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد، نیز تأیید کرده است. طبق معلومات هیأت، ویدیو توسط هواپیما کشفی گرفته شده

به ریاست میرحیدر افضلی و عضویت مرسل نبی‌زاده، علی‌اکبر جمشیدی، عبدالخالق خان بالاگرزی و بسم‌الله خان می‌گوید که این چرخ‌بال در هنگام روتیشن نیروهای ویژه امنیتی و دفاعی، اکمالات اعاشه‌ی آنان و انتقال کشته و زخمیان نیروهای امنیتی هدف حمله قرار گرفته است.

در گزارش هیأت به نقل از سخنان عبدالقیوم، رییس کشف وزارت دفاع ملی، محمدداوود سخی، معاون لوی ویژه‌ی ۷۷۷ قوای هوایی و محمدعلی مظفری، آمر مصونیت این لوا آمده که چرخ‌بال ساقط‌شده یکی از چهار چرخ‌بالی بوده است که توسط هواپیما کشفی «PC-12» رصد می‌شده است. این هواپیما پس از پرواز از کمپ نیروهای امنیتی و دفاعی در مرکز ولسوالی حصه اول بهسود در ارتفاع ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری زمین از پاسگاه موسوم به «آنتن» هدف قرار گرفته است.

صلح با طالبان براساس مشارکت‌دادن آنان
در قدرت سیاسی به‌دست نمی‌آید (۳)

امکان‌سنجی ایجاد اجماع بر دموکراسی پارلمانی غیرمتمرکز در افغانستان؛
بررسی یافته‌های یک پژوهش



انتخابات ریاست‌جمهوری در سطح ملی، مکرراً با بحران مواجه شده است. این تجربه مکرر نشان می‌دهد که به‌دلیل تمرکز قدرت در ریاست‌جمهوری، انتخاب این مقام به‌دلیل اشکاف‌های قومی، به‌شدت قومیت‌زده شده و موجب دوقطبی‌شدن شدید جامعه و نخبگان سیاسی شده است.

اجماع در کشور برای پیشرفت است؛ اگرچه نیاز به برخی اصلاحات وجود دارد. اما این مسأله برای صلح پایدار مهم است. زیرا نظام سیاسی باید ضامن عدالت، مشارکت در قدرت برای همه گروه‌های قومی و سیاسی باشد.

لذا اگر خواسته باشیم به صلح پایدار برسیم، سیستم سیاسی باید نمایندگی همه‌شمول و عدالت را در نظام تأمین کند. این مشارکت همه‌شمول و منصفانه بدون داشتن یک سیستم انتخابی متناسب، یا مکانیزمی نزدیک به این سیستم برای جلوگیری از هرگونه محرومیت و حاشیه‌سازی امکان‌پذیر نیست. بدون چنین سیستم انتخاباتی، نمایندگی همه شهروندان افغانستان در قدرت و امور عمومی دشوار خواهد بود. بنابراین هیچ تضمینی برای عدالت و فراگیری در سیاست حاکمیت آینده نخواهد داشت.

نویسنده معتقد است که بررسی‌های قبلی نشان داده که نظام جمهوری می‌تواند حقوق شهروندان، زنان و شیعیان را در چارچوب اسلام تضمین کند. با توجه به گفت‌وگوهای طالبان، به‌نظر می‌رسد بدون نظام جمهوری، فکر کردن درباره‌ی صلح پایدار در افغانستان دشوار است. گفت‌وگو و نظام سیاسی طالبان و امارت نمی‌توانند بستری برای صلح پایدار، عدالت، برابری و توافق ملی فراهم کنند. وقتی صحبت از ساختار یک سیستم سیاسی می‌شود، مسأله مهم این است که اقوام و مردم ولایات، خواهان تمرکززدایی و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی هستند. اقوام و باشندگان ولایات از تمرکز قدرت در کابل راضی نیستند و آن را مغایر با عدالت و

حسین‌علی کریمی

به‌صورت خلاصه دکتر امین احمدی ذیل تحقیق «امکان‌سنجی ایجاد اجماع بر دموکراسی پارلمانی غیرمتمرکز در افغانستان» چهار ادعای اساسی را مطرح می‌کند.

۱. سیستم امارت و در واقع هرگونه سیستمی که مبتنی بر انتخابات آزاد و عمومی و ارزش‌های دموکراتیک نباشد، موفق به ایجاد اجماع و توافق و تشکیل یک نظام همه‌شمول نمی‌شود. ۲. نظام جمهوری و ارزش‌های آن که مبتنی بر حاکمیت مردم و حقوق شهروندی است اساساً این ظرفیت را دارد که اجماع و توافق به‌وجود آورده و یک نظام همه‌شمول را بنیان گذارد. ۳. نظام جمهوری و ارزش‌های آن مطابق فرمول و صورت‌بندی قانون اساسی موجود مغایر با دین اسلام نیست و می‌توان با تعدیل اندک در ماده سوم و تشکیل محکمه قانون اساسی، خواسته‌های شرعی طالبان را در چارچوب یک ساختار حقوقی مبتنی بر قانون اساسی محقق ساخت. ۴. ساختار ریاستی و متمرکز کنونی به یک نظام پارلمانی و غیر متمرکز تغییر کند؛ زیرا بدون آن منازعه‌های دیگر حل نمی‌شود. همچنین نویسنده برای کنترل و متعادل‌ساختن ناسیونالیسم افغانی پیشنهاد کرد می‌کند که زبان دری (فارسی) با زبان پشتو یکسان اعتباردهی شود. در نهایت این‌که اصطلاحات رسمی دولتی به هر دو زبان به رسمیت شناخته شود و ملت افغانستان متشکل از شهروندان افغانستان دانسته شود و به هر یک از شهروندان کشور اطلاق شود. در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، نویسنده معتقد است که جمهوری‌خواهی تنها راه تولید

گزارش

دستان پرآبله و روح زخمی زنان
کارگر خانگی در کابل

دروغ می گویند. مثلا قبل از شروع کار صاحب خانه می گوید فقط لباس‌ها باید شسته شود اما بعد از شستن لباس‌ها چند کار دیگر را هم به اجبار سر ما انجام می دهند، آخر با ترش رویی دوصد افغانی را داده و ما را رخصت می کنند.»

او با چشمانی پر از اشک می گوید که از کار در خانه‌ها تنها دستاورد آبله نبسته، روحش نیز زخمی است: «از یک طرف کار بیش از حد و از طرف دیگر مزد کم. نه دولت از کار ما حمایت می کند و نه مردم در مقابل ما مدارا می کنند.»

قانون حمایتی وجود ندارد

معروف قادری، رییس اتحادیه ملی کارگران افغانستان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می گوید در افغانستان متأسفانه برای زنانی که در خانه‌های مردم کار می کنند هیچ نوع حمایت قانونی وجود ندارد. حتا برای کار این زنان در قانون کار هیچ حالتی هم پیش‌بینی نشده است: «در قانون کار افغانستان فقط برای زنانی که به‌طور رسمی در دفاتر دولتی و شخصی کار می کنند، امتیازاتی در نظر گرفته شده است؛ مثلا برای زنان در زمان حمل وضع سه ماه رخصتی و اگر ولادت غیر نرمال باشد ۱۵ روز دیگر بر رخصتی آن‌ها اضافه می شود. همچنان زنانی که کودک شیرخوار دارند هر دو ساعت بعد برای آن‌ها وقت داده می شود و یا زنان که حمل دارند، آن‌ها را از کارهای شاقه به کاری که سبک‌تر باشد می گمارند تا کودکشان متضرر نشود. در قانون کار هیچ حالتی برای زنانی که در خانه‌های مردم کار می کنند، پیش‌بینی نشده است.»

در افغانستان معمولا چرخ روزگار برای بیشتر مردم برخلاف جریان گردش زندگی می‌چرخد. مخصوصا اگر مسئول زندگی یک زن باشد. روایت زنان این سرزمین بسیار تلخ است، اما تلخ‌تر از آن روایت زنانی است که با مشکلات و دشواری‌ها در برابر مزد کم و ناچیز در خانه‌های مردم کار می کنند. زرمینه می گوید: «در این چند سال در خانه‌های زیادی کار کرده‌ام. تحقیر شده‌ام. کار یک هفته را در یک روز سرم انجام داده‌اند. دستمزد را تکمیل ندادند. تا ناوقت روز گشته و تشنه کار کرده‌ام. بعضی صاحب خانه تا کار را تمام نکرده‌ام به من غذا و آب ندادند.»

حمیده از بانوانی است که از سه سال به این سو در خانه‌های مردم کار می کند. او قبلا در دانشگاه، شفاخانه و دفاتر شخصی به‌عنوان صفاکار و آشپز کار می کرد. او مادر چهار کودک است. پسر بزرگ او هشت سال دارد و برای کمک به خانواده سبزی‌فروشی می کند. او که برای یافتن کار علت بیکاری شوهرش را اعتیاد عنوان می کند می گوید سرپرستی خانواده به دوش او و پسر هشت ساله‌اش است.

خشونت پنهان

پروین پوران عضو گروه حرکت برای تغییر و کنشگر اجتماعی به روزنامه اطلاعات روز می گوید زنانی که در مقابل مزد در خانه‌های مردم کار می کنند، متأسفانه جزو درآمد ناخالص ملی حساب نمی‌شوند. به همین ترتیب مردم کار این زنان را بی‌اهمیت دانسته و دستمزد کمی به آن‌ها می‌دهند. خانم پوران تأکید می کند به دلیل نوعیت کارشان این زنان از امنیت شغلی نیز برخوردار نیستند و چون کار خانگی آن‌ها در یک حوزه خصوصی انجام می‌شود، امنیت آن‌ها نیز موضوع مهمی تلقی نمی‌شود: «خشونت‌هایی که زنان به‌عنوان کارگران خانگی با آن روبه‌روند پنهان است و به همین سبب این زنان مورد خشونت‌های مختلفی قرار می‌گیرند.»

آمار دقیقی راجع به زنان کارگر خانگی در دست نیست. عبدالفتاح عشرت احمدزی، سخن‌گوی وزارت کار و امور اجتماعی در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می گوید وزارت هیچ نوع آمار مشخص و دقیقی از زنان کارگر خانگی ندارد: «اگر این زنان به‌لحاظ قانونی با مشکلی مواجه شوند، حق‌شان تلف شود و یا با رفتار نامناسبی از سوی صاحبان خانه و یا دفاتر روبه‌رو شوند، می‌توانند به وزارت مراجعه کنند و وزارت کار و امور اجتماعی براساس قانون کار با آن‌ها همکاری کرده و در مقابل تبعیض ایستادگی می‌کند.»

فریضه عالمی

نگاهش را دور اتاق تاریک و فقیرانه‌اش می‌چرخاند، بعد دستان ترک‌خورده و زخم‌برداشته‌اش را نشان می‌دهد و با بغض می‌گوید این دست‌ها را که می‌بینید هر زخم و هر آبله‌اش بیانگر یک درد است. نامش حلیمه است و ۴۲ سال دارد. با حسرت می‌گوید به سبب مشکلات اقتصادی و نبود همسر و سرپرست خانواده از اول صبح تا ناوقت شب برای یافتن لقمه‌ای نان برای کودکانش در خانه‌های مردم به‌عنوان نظافت‌چی سخت کار می‌کند. حلیمه مادر پنج فرزند است: سه دختر و دو پسر. در تأمین مخارج این زندگی شش‌نفره فقط بزرگ‌ترین فرزندش کمکش می‌کند.

اما درد اصلی حلیمه از آبله‌هایی روی دستانش نیست. او از دریافت مزد ناچیز با منت، رفتار بد و بی‌انصافی صاحبان کار بیشتر گلایه دارد: «کار در خانه‌های مردم در کنار این که سخت است، پول کم و ناچیز نیز دارد. مردم در برابر زنان کارگر بی‌انصافی می‌کنند و مزد کم می‌دهند. از صبح وقت تا ناوقت شب در خانه‌ها سخت کار می‌کنم، قهر و بدرفتاری‌های صاحب‌خانه را تحمل می‌کنم اما با دو یا سه صد افغانی خسته و کوفته خانه می‌آیم. برخورد بد و مزد کم بیشتر از کار روح و وجودم را خسته می‌کند.»

این روایت زندگی زنانی است که در آشفته‌بازار بیکاری و گرسنگی افغانستان در پی تقلا تأمین زندگی است. براساس آمار رسمی، بیکاری زنان در افغانستان گسترده است. اتحادیه کارگران افغانستان می‌گوید برای زنان که معمولا در خانه‌های مردم به‌عنوان کارگر خانگی کار می‌کنند، هیچ قانون حمایتی وجود ندارد. حتا برای کار این زنان در قانون کار هیچ حالتی هم پیش‌بینی نشده است. گفته می‌شود زنان کارگر خانگی در کابل با خشونت‌های پنهان زیادی نیز مواجهند. زنان کارگر خانگی که در این گزارش با آن‌ها گفت‌وگو شده مدعی‌اند که در زمان کار با بدرفتاری، بهره‌کشی در مقابل دستمزد ناچیز و محرومیت از تمام حقوق یک کارگر از جمله رعایت‌نشدن ساعت کاری و کار در شرایط نامناسب مواجه بوده‌اند.

دستان پرآبله و روح زخمی

زرمینه ۹ سال است با کار در خانه‌های مردم به‌عنوان صفاکار و آشپز هزینه‌های زندگی دو کودکش را که خود سرپرستی آن‌ها را به عهده دارد تأمین می‌کند. ده سال قبل همسر معتادش او و سه کودکش را در یک روز سرد پاییزی با بدهکاری‌های فراوان تنها گذاشت و دیگر به خانه بازنگشت. او ساز ناکوک زندگی را با کار سخت و رخت‌شویی در خانه‌های مردم پیش می‌برد تا از یک طرف کودکانش گرسنه نماند و از طرف دیگر بدهی‌های همسرش که دیگر هیچ خبری از او نیست، پرداخت کند.

به گفته‌ی زرمینه، همسرش بیش از ۸۰۰ هزار افغانی از مردم قرض کرده بود؛ بدهی‌ای که با مزد ناچیز او و دخترانش پس از گذشت هشت سال هنوز کم نشده است.

وقتی در خانه‌ی کوچک، فقیرانه‌اش با او گفت‌وگو کردم به‌نظر می‌رسید سال‌هاست تمامی سنگینی مشکلات زندگی را درون خود می‌ریزد و آشفتنی بزرگی را تحمل می‌کند. به من گفت نمی‌داند تا چه وقت می‌تواند مزد ناچیز و کار در خانه‌های مردم را تحمل کند و تا چه اندازه می‌تواند در مقابل کار زیاد، مزد ناچیز و رفتار بد مردم صبوری کند: «مجبورم که در خانه‌های مردم کار کنم. وگرنه با این همه بی‌انصافی آن‌ها کار نمی‌کردم. به ما

معروف قادری، رییس اتحادیه ملی کارگران افغانستان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید در افغانستان متأسفانه برای زنانی که در خانه‌های مردم کار می‌کنند هیچ نوع حمایت قانونی وجود ندارد. حتا برای کار این زنان در قانون کار هیچ حالتی هم پیش‌بینی نشده است.

انتقاد ساکنان ولسوالی‌های بهسود
از ترکیب ملیتی در ادارات محلی
میدان‌وردک

ساکنان ولسوالی‌های حصه‌ی اول بهسود و حصه‌ی دوم بهسود در دیدار با اعضای هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان از ترکیب ملیتی در ادارات محلی می‌تواند که در ادارات محلی کرده‌اند. آنان گفته‌اند که در ادارات محلی این ولایت حضور اندک دارند و این موضع باعث «دلسردی مردم از حکومت» شده است.

همچنان ساکنان این ولسوالی‌ها از حملات «کوچی‌های مسلح» بر خانه‌ها و مزارع‌شان در جریان سال‌های گذشته هم شاکی بوده‌اند. در گزارش هیأت به نقل از آنان آمده است که در نتیجه‌ی حملات کوچی‌ها در ولسوالی‌های بهسود، خانه‌ها و مزارع مردم بهسود تخریب شده است.

آنان تأکید کرده‌اند که به‌رغم شکایت به مراجع ذیربط حکومتی و بی‌تفاوتی حکومت به این موضوع، برای دفاع خودی، مجبور به مقاومت مسلحانه در برابر حملات کوچی‌ها شده‌اند. در همین حال، در گزارش تأکید شده است که باید به مصله‌ی کوچی‌ها و ده‌نشین‌ها، اسکان‌دهی کوچی‌ها در مکان مناسب که باعث ایجاد مشکلات نشود، رسیدگی صورت گیرد.

همچنان ساکنان ولسوالی‌های حصه‌ی اول بهسود و حصه‌ی دوم بهسود از نامنی‌ها در مسیر شاهراه نمبر ۲ میدان‌شهر - بهسود نیز شاکی‌اند. آنان گفته‌اند که با وجود تقاضاهای مکرر برای تأمین امنیت این شاهراه، مسئولان هنوز اقدامات لازم روی دست نگرفته‌اند. هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان گفته است که باید این شاهراه از وجود طالبان و سایر گروه‌ها پاکسازی شود.

قبل از این عبدالغنی علی‌پور اعلام کرده بود که او برای دفاع از مردم در مقابل حملات مسلحانه‌ی طالبان و کوچی‌ها در ولسوالی‌های حصه‌ی اول بهسود، حصه‌ی دوم بهسود و ناهور غزنی و همچنان تأمین امنیت شاهراه نمبر ۲ میدان‌شهر - جلیز تفنگ به دست گرفته است. اما حالا حکومت مدعی است که این فرمانده محلی به‌گونه‌ی غیرقانونی فعالیت می‌کند و به دنبال سقوط چرخ‌بال در بهسود، مقام‌های ارشد حکومت از جمله رییس‌جمهور غنی و جنرال یاسین ضیا، سرپرست وزارت دفاع ملی از انتقام هشدار داده بودند.

تحلیل

تعیین کند، تنها در مقابل شورای ملی مسئول باشد و توسط ولسی‌جرگه قابل استیضاح و عزل باشد. هر یک از دو مقام سه معاون داشته باشد. والی‌ها توسط شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت انتخاب شوند. حکومت‌داری در سطح محلی نیز مشارکت و ترکیب کامل نماینده را از مردم ساکن همان منطقه تأمین کند. به این وسیله هم تمرکز قدرت علاج می‌شود و هم احتمال نزاع میان رییس‌جمهور و صدراعظم کاهش می‌یابد و هم احتمال بن‌بست در تشکیل حکومت از میان برداشته می‌شود. نویسنده با توجه به تجربه خود طی ۲۰ سال اخیر کشور و مباحثات و نگرانی‌های کمیسیون تدقیق قانون اساسی که در سال ۱۳۸۲ این پیشنهادات را مطرح می‌کند.

در عین حال برای متعادل ساختن ناسیونالیسم افغانی باید زبان دری از حیث اعتبار و رسمیت با زبان پشتو برابر تلقی گردد و فقره پایانی ماده ۱۶ قانون اساسی که در اعتبار خویش محل اختلاف است، تعدیل شود. اصطلاحات رسمی دولتی به هر دو زبان دری و پشتو به رسمیت شناخته شود. در ماده چهارم به جای تأکید شدید بر هویت افغانی که محل نزاع است و هنوز به فرهنگ عمومی تبدیل نشده است و افزایش اطلاعات و همگانی‌شدن اسناد پایه‌های تاریخی آن را زیر سوال برده است، صرفا آورده شود که هر فرد از افراد ملت، شهروند افغانستان تلقی می‌شود. به شکلی نیز ملی‌گرایی افغانی مانند ملی‌گرایی پادشاهی متحده، انعطاف‌پذیرتر شده و بهتر می‌تواند وفاق ملی را تقویت سازد. پایان

خانم نبی‌زاده از عامل ساقط چرخ‌بال نامی نبرد ولی تأکید کرد که راکت دوربرد هدایت‌شونده از پاسگاه آنتن شلیک شده است. در آن هنگام افراد وابسته به عبدالغنی علی‌پور، فرمانده محلی در میدان‌وردک در این پاسگاه مستقر بوده‌اند.

از سویی هم در گزارش هیأت آمده است که راکت شلیک‌شده از نوع راکت هدایت‌شونده‌ی «کانکورس» روسی است. براساس معلومات گزارش، کشورهای چین، جاپان و ایران نیز از نوع کاپی این راکت‌ها را ساخته‌اند. مرسل نبی‌زاده گفت که قبلا کشور ایران این نوع راکت را در ولایت هلمند در اختیار گروه طالبان قرار داده بود.

این چرخ‌بال زمانی ساقط شد که افراد وابسته با علی‌پور با نیروهای دولتی در تقابل بودند. این تقابل در پی «تیراندازی» نیروهای دولتی به رهبری الله‌داد فدایی، فرمانده پیشین پولیس میدان‌وردک بر معترضان در تاریخ ۱۰ دلو سال گذشته ایجاد شده بود.

این تیراندازی که در آن دست‌کم ۱۱ غیرنظامی کشته و ۳۱ غیرنظامی دیگر زخمی شدند، سبب درگیری میان افراد وابسته به علی‌پور و نظامیان دولتی شد. این درگیری در ماه حوت به اوج خود رسید. اکنون هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان می‌گوید که در میان معترضان در ۱۰ دلو سال گذشته افراد مسلح حضور داشته و به همین دلیل این تظاهرات به خشونت کشانده شده است. همچنان این هیأت خواهان معرفی عاملان این تیراندازی به مراجع عدلی و قضایی شده است.

به‌دنبال این درگیری و سقوط چرخ‌بال نیروهای هوایی کشور، نظامیان دولتی حملاتی علیه عبدالغنی علی‌پور راه‌اندازی و مواضع او را هدف قرار دادند. طبق بررسی هیأت کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان در نتیجه‌ی این حملات، ده عرادۀ وسایط مختلف‌النوع، شش عرادۀ موتر «رنجر»، یک عرادۀ موتر «انترنشنل» و سه عرادۀ تانک «هاموی» از افراد وابسته به علی‌پور به‌دست نیروهای دولتی افتاده است.

این هیأت گزارش کرده است که بیشتر این وسایط از نیروهای امنیتی بوده که توسط افراد علی‌پور به سرقت برده شده بود. براساس گزارش، این افراد به تعداد ۷۲ میل اسلحه، شش عرادۀ تانک هاموی، هشت عرادۀ رنجر و مواد اعاشوی نظامیان دولتی را به سرقت برده‌اند.

مشارکت معنادار می‌دانند. به اعتقاد نویسنده اگر می‌خواهیم به صلح پایدار برسیم، این مشکل باید در میان جمهوری‌خواهان نیز حل شود. ضرورت حل مسأله، یعنی توزیع عادلانه‌تر قدرت و ایجاد ظرفیت بیشتر برای مشارکت از دو موضوع دیگر هم ناشی می‌شود؛ ابتدا این‌که انتخابات ریاست‌جمهوری در سطح ملی، مکررا با بحران مواجه شده است. این تجربه مکرر نشان می‌دهد که به‌دلیل تمرکز قدرت در ریاست‌جمهوری، انتخاب این مقام به‌دلیل شکاف‌های قومی، به‌شدت قومیت‌زده شده و موجب دوقطبی‌شدن شدید جامعه و نخنگن سیاسی شده است. دوم این‌که ما باید زمینه‌ی وسیع در درون ساختار جمهوری برای مشارکت طالبان را ایجاد کنیم و از مفاهیم گفت‌وگو (اهل حل و عقد) برای ایجاد توافق استفاده کنیم.

با توجه به این نکات طرحی را که نویسنده در بخش نخست ارائه نموده است مهم می‌داند و معتقد است که به وسیله آن می‌توان مشکل تمرکز قدرت را بدون این‌که هیچ یک از طرف‌های درگیر در قضیه ضرر کنند، حل نماید. طرح به این شکل بود که نظام مختلطی از دو مقام رییس‌جمهور با صلاحیت محدود در حد پادشاه در قانون اساسی مشروطه و صدر اعظم پیش‌بینی گردد. رییس‌جمهور غیرمستقیم توسط مجالس ملی و ولایتی از میان افراد واجد شرایط انتخاب شود. یعنی اعضای این مجالس جمع شوند و رییس‌جمهور را انتخاب کنند. نخست‌وزیر نیز حداکثر ظرف دو ماه توسط ولسی‌جرگه تعیین شود. اگر در این مدت رییس‌جمهور نتوانست نخست‌وزیر را

«تیراندازی» به یکی از رهبران جنبش سیاهپوستان در جنوب لندن: «حال او وخیم است»

بریتانیا و یکی از رهبران جنبش «جان سیاهان مهم است» در بریتانیاست و یکی از اعضای کمیته رهبری حزب «گرفتن ابتکار عمل» Taking the Initiative Party است. حزب خانم جانسون در یک بیانیه که در اینستاگرام این حزب منتشر شد نوشت: «خانم جانسون «مادر دو کودک» و یک «صدای قدرتمند» بود که همواره برای حقوق سیاهان و بر ضد بی‌عدالتی که جامعه سیاهان را در بر گرفته مبارزه می‌کرده. این حزب در بیانیه خود از همه خواست تا برای بهبودی ساشا دعا کنند و حمایت خود را از خانواده او و عزیزانش نشان دهند. تویتر کمپین «جان سیاهان مهم است» در بریتانیا هم در توییتی نوشت که خبر تیراندازی به یک مادر جوان و یک فعال اجتماعی شجاع که در صف اول بسیاری از تجمعات اعتراضی تابستان سال گذشته این کمپین حضور داشته، تکان دهنده است. در این تویت آمده که «هر گونه تلاشی برای ساکت کردن یا ارباب او حمله به همه ما خواهد بود.» و دعوت شده که عصر امروز برای او در مقابل بیمارستان کینگز کالج لندن جمع شوند.

خانم ایتون میگوید که خانم جانسون در یک مهمانی یا دورهمی بوده است که مجروح شده و فکر نمی‌کند که او «عمدا هدف قرار گرفته شده.» او می‌گوید: «تا جایی که من می‌دانم این حادثه بیشتر مربوط به درگیری‌های باندهای تبهکار بوده است تا فعالیت‌های اجتماعی او.» کاراگاهان متخصص پولیس از محل وقوع تیراندازی و اطراف آن تحقیق کردند و در حال دنبال کردن چند سرخ هستند. پولیس در یک بیانیه اعلام کرده است که تیراندازی در نزدیکی خانه ای که در آن یک مهمانی برگزار شده بود اتفاق افتاده است و احتمالاً در آن زمان تعداد زیادی افراد در محل بودند. سربازرس این پرونده این حادثه را اتفاقی «تکان دهنده» توصیف کرد و گفت که زن جوان با جراحات‌های سخت رها شده بود. او با خانواده این زن ابراز همدردی کرد و گفت که در این شرایط بسیار سخت از آنها حمایت می‌کند.

ساشا جانسون کیست؟
ساشا جانسون، فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد بروکس

بر اینکه این زن عمدا هدف گلوله قرار گرفته یا پیش از این حادثه تهدید شده بوده، در اختیار ندارد. عمران ایتون، یکی از دوستان خانم جانسون به بی‌بی‌سی گفت که او تحت عمل جراحی قرار گرفته و عمل جراحی او خوب بوده است.



اطلاعات روز: یک حزب سیاسی در بریتانیا می‌گوید که ساشا جانسون از فعالین «کمپین جان سیاهان با ارزش است» دیروز در اثر شلیک گلوله فردی در جنوب لندن به شدت مجروح شده و در حال حاضر در بیمارستان بستری است. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، حزب ابتکار عمل Taking the Initiative Party می‌گوید که او اوایل صبح یکشنبه ۲۳ می هدف گلوله قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله به سرش در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری است. بی‌بی‌سی دریافته که این حادثه دیروز در جنوب لندن اتفاق افتاده است. پولیس لندن تایید کرده است که یک زن ۲۷ ساله حدود ساعت ۳ بامداد در محله «ساوت‌ارک» در جنوب لندن هدف گلوله قرار گرفته است. پولیس هنوز نام و مشخصات این زن را تایید نکرده است. پولیس می‌گوید این زن در حالی که به شدت مجروح شده و خطر مرگ او را تهدید می‌کرد به بیمارستانی در جنوب لندن منتقل شده است. پولیس لندن از کسانی که شاهد این حادثه بودند خواسته اطلاعات خود را در اختیار پولیس بگذارند. پولیس می‌گوید که در این مرحله هنوز هیچ مدرکی مبنی

کرونا در هند؛ آمار جانباختگان از ۳۰۰ هزار نفر گذشت

اطلاعات روز: به گفته وزارت بهداشت هند، شمار مرگ و میر ناشی از کرونا در این کشور از ۳۰۰ هزار گذشت. تنها در کمتر از یک ماه ۱۰۰ هزار نفر بر اثر ابتلا به این ویروس در هند جان باخته‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، این کشور در حالی می‌کوشد با از یاد مبتلایان مبارزه کند که بیمارستان‌ها فرای ناچار از پذیرش بیش از حد مراجعه‌کنندگان

هند در حال حاضر مرکز همه‌گیری در جهان به شمار می‌آید. این کشور با ثبت ۲۶ میلیون مورد ابتلا پس از آمریکا، بیشتر شمار مبتلا را ثبت کرده است. در عین حال، در روزهای گذشته افزایش ابتلا به یک عفونت قارچی نادر در کسانی که از عفونت کرونا بهبود یافته‌اند را رو به بهبود هستند بر نگرانی‌ها افزوده است. در برخی مناطق برای سوختن اجساد نیز با کمبود

هستند. کمبود تجهیزات از جمله اکسیژن و دارو نیز از دیگر مشکلات به شمار می‌آید. متخصصان هشدار می‌دهند که ممکن است تعداد واقعی تلفات بسیار بیشتر باشد چرا که بسیاری از مرگ‌ها به طور رسمی و یا ذیل مرگ‌های ناشی از کرونا ثبت نشده‌اند. اکنون هند پس از آمریکا و برزیل بیشتر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا را ثبت کرده است.

واکنش فرمانده سنتکام به نگرانی عربستان نسبت به کاهش نیروهای امریکایی در منطقه

آسیای غربی در دست بررسی است. جنرال مکنزی تأکید کرد که طرح پنتاگون اجرا خواهد شد و آمریکا از احتمال افزایش فروش تسلیحاتی چین و روسیه به کشورهای آسیای غربی نگرانی چندانی ندارد. با این حال، فرمانده سنتکام تأیید کرده که کاهش نظامیان امریکایی بر اساس تغییر رویکرد دولت جو بایدن، نگرانی جدی سران سعودی را در پی آورده‌است. همزمان با حضور جنرال مکنزی در عربستان، وزیر خارجه آمریکا روز یکشنبه ابراز امیدواری کرد که بهبود مناسبات سعودی و ایران به کاهش درگیری و تنش، که از جمله به گفته وی، از طریق «تبردهای نیابتی» در جریان است، منجر شود. آنتونی بلینکن این را نیز گفت که هر چند آمریکا هم باید نیروهای حوثی را به مسالمت تشویق کند اما سؤال این است که آیا ایران آمادگی دارد که حوثی‌ها را به رویکرد مثبت دعوت کند یا نه. ایران تأیید کرده که پس از سال‌ها بحران عمیق در مناسبات بشدت متشنج خود با سعودی، به تازگی مذاکراتی را با نمایندگان عربستان در عراق و با میانجی‌گری سران بغداد انجام داده‌است. مذاکرات تهران-ریاض، که هنوز جزئیات زیادی از آن در دست نیست، تا حدی به آرام شدن لحن مقامات دو کشور در قبال یکدیگر منجر شده‌است. از جانب دیگر، حوثی‌ها تأکید دارند که اقدامات آنها علیه عربستان در واکنش به حملات سعودی است که از پیش از شروع بحران ایران-عربستان، آغاز شده بود و ربطی به تنش تهران-ریاض ندارد؛ عربستان و آمریکا و هم‌پیمانان، اما حوثی‌ها را نیروهای نیابتی ایران تلقی می‌کند.

زیادی را علیه منافع سعودی به پرواز درآورده‌اند. فرمانده سنتکام تصریح کرد که آمریکا در زمینه مقابله با این توانمندی‌های حوثی، به‌ویژه در زمینه پهپادها، به عربستان کمک خواهد کرد. آمریکا به تازگی اعلام کرده که بر اساس برنامه جدید پنتاگون توجه بیشتری را بر خاور دور متمرکز خواهد کرد تا بویژه با نفوذ چین مقابله کنند. جو بایدن، رییس جمهوری و لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، تأکید کرده‌اند که رویارویی با چین و روسیه برای دولت واشینگتن اولویت دارد و در این راستا، ماموریت‌ها و شمار نظامیان امریکایی در تمامی جهان در حال بازنگری است. بر اساس این برنامه، احتمال کاهش نیروهای آمریکا در

نخواهد بود اما این کاهش را نباید پایان حضور نظامی آمریکا در این بخش تلقی کرد. به گفته فرمانده سنتکام، توانمندی‌های نظامی آمریکا که در اختیار سعودی است، بیشتر از حضور خود نظامیان امریکایی، بازدارندگی ایجاد کرده است. وی به سامانه پدافند هوایی و موشکی به عنوان لایه دفاعی بر آسمان سراسر عربستان، اشاره کرد. کنت مکنزی این را نیز گفت که افزایش ظرفیت نظامی آمریکا مانع از حمله ایران به سعودی شده هر چند که نیروهای متحد آن کماکان تعرض خود علیه سعودی ادامه داده‌اند. وی گفت نیروهای حوثی در سه ماه گذشته بیش از هزار فروند موشک و راکت به عربستان شلیک کرده و پهپادهای

اطلاعات روز: فرمانده نیروهای امریکا در آسیای غربی گفته است که رویکرد دولت امریکا در قبال منطقه «تغییر خواهد کرد» اما عربستان از این امر «بسیار نگران است» و کماکان کمک واشنگتن «در برابر ایران» را درخواست می‌کند. به گزارش رادیو فردا، جنرال کنت مکنزی، فرمانده سنتکام، افزود که کاهش نیروهای امریکا در منطقه ممکن است به «اقدامات تحریک‌آمیز ایران» منجر شود. او در عین حال گفت که کمک‌های ارتش امریکا تاکنون باعث بازدارندگی در برابر «خشونت‌طلبی» ایران نسبت به عربستان شده و افزود که در حالی که حضور سربازان امریکایی در منطقه باعث این بازدارندگی بوده اما «طیف وسیع» توانمندی‌های که ایالات متحده به عربستان داده «بسیار مهم‌تر» از این حضور است. او در این خصوص به مرتبط ساختن سامانه‌های پدافندی موشک‌های پاتریوت سعودی و امریکایی به هم اشاره کرد که در صورت پرتاب موشک از سوی ایران اعلام اخطار سریع می‌کند. وی این سخنان را پس از دیدار و گفت‌وگو با سران عربستان در ریاض در روز یکشنبه، دوم جوزا، و در مصاحبه با شبکه تلویزیون امریکایی ای‌بی‌سی و خبرگزاری آسوشیتدپرس بیان کرد. جنرال مکنزی اظهار داشت که مقامات سعودی «می‌خواهند اطمینان یابند که در صورت حمله ایران و حملات جاری (از سوی نیروهای حوثی)، به آنها کمک خواهد شد». این فرمانده ارشد امریکایی گفت شمار نیروهای کشورش در منطقه، دیگر صدها هزار نیرو مانند سال‌های قبل



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرزی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

هاجره مریم، الجزیره
مترجم: جلیل پژواک

گزارشی از کراچی - صغرا رجب ۱۹ ساله و شمسیه علی ۲۱ ساله دو فوتبالیست جوان تیم کوئته هستند که ماه مارچ امسال در «مسابقات قهرمانی فوتبال بانوان» در شهر کراچی پاکستان شرکت کرده بودند.

صغرا و شمسیه صدها کیلومتر را از کوئته در ایالت جنوب غربی بلوچستان پاکستان تا کراچی، شهر ساحلی در جنوب این کشور، سفر کرده بودند تا در این مسابقات شرکت کنند.

برای شمسیه، آمدن به کراچی و بازی در این سطح «روایی بود که به حقیقت پیوست». صغرا آن را «فرصت استثنایی در زندگی» می‌دانست و گفت که بودن و «دیدن شدن» در این‌جا برایم شگفت‌انگیز است و واقعا خوشحالم.

آن‌ها «عاشق» فوتبال هستند و به نظر می‌رسد شرکت در این مسابقات، بدون ترس و نگرانی‌های خارج از زمین و غیرفوتبالی، نه تنها برای صغرا و شمسیه، بلکه برای کل اعضای تیم دل‌خوشی آورده بود.

دختران این تیم به جامعه اقلیت هزاره تعلق دارند. بیشتر مردم هزاره کوئته (مرکز بزرگ‌ترین اما فقیرترین ایالت پاکستان) زندگی می‌کنند. هزاره‌ها سال‌هاست که به دلیل هویت خود تحت ظلم و ستم قرار دارند و هدف حملات و بمب‌گذاری‌های افراط‌گرایان قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش «کمیسون ملی حقوق بشر» پاکستان در سال ۲۰۱۸، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ حدود دوهزار هزاره بر اثر خشونت‌های فرقه‌ای دیرینه علیه این جامعه کشته شده‌اند.

در میانه‌ی فرقه‌گرایی، خشونت و ترس، ورزش فوتبال به روزنه امید برای جامعه هزاره و به ویژه دختران هزاره تبدیل شده است.

پوشیدن روسری سیاه و شلوارک بر روی شلوار سیاه آن‌هم زیر آفتاب سوزناک برای این دختران راحت نبود و خاطرات آن‌ها از زندگی‌شان در هزاره‌تاون، شهرکی محصور در کوئته، نیز با ناراحتی و ترومای خاص زندگی در هزاره‌تاون آمیخته بود.

صغرا به من گفت: «ما سعی می‌کنیم به کارهای روزمره خود برسیم، به دیدار دوستان و خانواده برویم و ورزش کنیم. اما وقتی اوضاع امنیتی خراب می‌شود، باید در خانه بمانیم. ناامنی بزرگ‌ترین نگرانی ماست.»

تصمیم سفر به کراچی برای شرکت در مسابقات فوتبال، با توجه به نگرانی‌های امنیتی جامعه هزاره، برای بازیکنان و خانواده‌های‌شان تصمیم ساده‌ای نبوده است. صغرا گفت: «من دو سال پیش کاکای خود را در حملات هدفمند از دست دادم. از نظر روحی روانی دائم احساس آشفتگی و پریشانی دارم.»

برای شمسیه نیز متقاعد کردن خانواده‌اش کار دشوار بوده است: «پدرم به من گفت که وقتی مردان جامعه ما در امان نیستند، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که زنان ما امنیت داشته باشند.»

اما کسی که پس از ماه‌ها مشوره و دل‌داری، توانست والدین دختران فوتبالیست را متقاعد کند که دختران‌شان را به مسابقات کراچی بفرستند، خانم صبا، مربی تیم بود.

صبا که بازیکن سابق تیم بلوچستان است، به من گفت: «مردم ما قربانی ظلم و کشتار مداومند. من باید کاری می‌کردم.

در کوئته، دختران هزاره با فوتبال به جنگ ترس و ترس می‌روند



من برنامه‌ریزی کردم و یک سال قبل از مسابقات، خانواده‌ها را متقاعد کردم.» او گفت که کشتار هدفمند، هزاره‌ها را از بسیاری از فرصت‌هایی که یک محیط امن می‌تواند برای اعضای جامعه فراهم سازد، محروم کرده است.

او گفت: «ترس و ترس در هر کاری که ما انجام می‌دهیم بسیار شایع است. هر تصمیمی که ما برای زندگی خود می‌گیریم با ترس و نگرانی عجیب شده است.»

مواع

در ماه جنوری امسال ۱۱ کارگر معدن ذغال سنگ در منطقه «ماچ» بلوچستان روده شدند و سپس به قتل رسیدند. آن‌ها هزاره بودند. مسئولیت این حمله را جنگ‌جویان داعش به عهده گرفتند.

به دنبال این کشتار، هزاره‌های پاکستان با راهاندازی تحصن و اعتراض خواستار عدالت برای قربانیان شدند. آن‌ها اصرار داشتند که کشته‌شدگان را تا زمانی که عمران خان نزد آن‌ها نرود، دفن نمی‌کنند.

با این‌که عمران خان در ابتدا این درخواست را «بی‌خوابی» خواند، اما بعداً عقب‌نشینی کرد و در ۹ جنوری به دیدار خانواده‌های قربانیان رفت.

پس از این حمله، تلاش یک ساله‌ی صبا برای متقاعد کردن والدین اعضای تیم فوتبال دختران هزاره کوئته، به شدت ضربه خورد. صبا به من گفت: «متقاعد کردن دوباره آن‌ها دشوار بود. پس از آن حمله برخی از والدین از تصمیم خود برگشته بودند. دختران دائم تماس می‌گرفتند و می‌گریستند.»

آنچه در ابتدا کمک کرد که دختران هزاره به فوتبال علاقه‌مند شوند و به تعقیب آن تیم خود را تشکیل دهند، تعهد صبا برای کمک به زنان هزاره و توانمند کردن آن‌ها بود.

او در سال ۲۰۱۷ کارگاه صنایع دستی و دوخت و دوز خود را در هزاره‌تاون تأسیس کرد و زنان و دختران، به‌خصوص زنان جوان هزاره را که اعضای خانواده خود را در حملات هدفمند بر هزاره‌ها از دست داده بودند، برای کار پذیرفت.

دختران و زنان جوان با دیدن عکس‌های رنگارنگ صبا بر روی دیوارهای کارگاه از دوران بازی‌اش در تیم فوتبال بلوچستان شیفته‌ی این ورزش شدند.

صغرا در این باره گفت: «ما عکس صبا را به‌حیث یک فوتبالیست دیدیم و مجذوب فوتبال شدیم.»

اوایل، صبا به‌صورت غیررسمی دختران را فوتبال یاد می‌داد. یک سال نگذشته بود که بلندپروازی‌های دختران شروع شد. آن‌ها می‌خواستند که یک تیم خوب داشته باشند، منظم تمرین کنند و از جامعه خود در سطح فوتبال حرفه‌ای نمایندگی کنند.

با این آرزوها، صبا از «آکادمی فوتبال هزاره» در کوئته خواست که به دختران اجازه دهد از زمین بازی این آکادمی استفاده کنند.

محیط وحشت‌زده و مضطرب

ابتدا این درخواست صبا را مسخره کردند. برخی آدم‌ها مشارکت زنان در ورزش فوتبال را زیر سوال بردند. اما مقاومت و پافشاری صبا کمک کرد مجوز استفاده از زمین بازی را بگیرد.

صبا به من گفت: «پس از درخواست‌های مکرر، آکادمی به ما اجازه داد از زمین استفاده کنیم. ما ماهانه ۱۵ هزار روپیه می‌پرداختیم و هفته سه بار تمرین می‌کردیم.»

گزارش سال ۲۰۱۸ دیدبان حقوق بشر، وضعیت زندگی جامعه هزاره را در کوئته، به دلیل خشونت علیه این مردم، به یک زندان روباز تشبیه می‌کند. ترس و اضطراب نسل اندر در جامعه هزاره ریشه دوانده است. جلیله حیدر، فعال و مدافع حقوق بشر می‌گوید که زنان جامعه هزاره به ویژه «با خطر مضاعف روبرو هستند.»

او می‌گوید: «زنان اول به دلیل زن‌بودن به حاشیه رانده می‌شوند. اما از آن‌جایی که آن‌ها زن هزاره هستند، محرومیت‌شان دو برابر می‌شود. مسائل اجتماعی جنسیت‌زده

زنان اول به دلیل زن بودن
به حاشیه رانده می‌شوند.
اما از آن‌جایی که آن‌ها زن
هزاره هستند، محرومیت‌شان
دو برابر می‌شود. مسائل
اجتماعی جنسیت‌زده و
چرخه‌ی ترس در جامعه، زنان
هزاره را محدودتر می‌کند.

و چرخه‌ی ترس در جامعه، زنان هزاره را محدودتر می‌کند. آن‌ها از قبل دچار ترس هستند زیرا هرکدام‌شان کاکا، برادر یا پدر خود را از دست داده‌اند. و نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای و فقدان آزادی در یک محیط آشفته‌ی غرق در خشونت، ضربه روحی روانی بر آن‌ها را شدیدتر می‌کند.»

صبا و بسیاری از دختران تیم همچنان به لحاظ روانی پریشان بودند.

صبا می‌گفت: «هر خانواده هزاره به دلیل تروریسم قربانی و خون داده است. دختران هزاره همیشه در شوک و نگرانی به سر می‌برند. برخی از بازیکنان پیوسته به لحاظ روانی در هم می‌شکنند. گاهی اوقات فشار روانی باعث می‌شود آن‌ها از حال بروند.»

صبا به عنوان مربی تیم همیشه تلاش می‌کند شجاع باشد. اما گاهی اوقات از ترس و نگرانی دچار افسردگی می‌شود. او هم یک انسان است.

صبا به من گفت: «گاهی اوقات من نمی‌فهمم چه کار کنم. منی که مسئولیت این دختران جوان را برعهده گرفته‌ام.»

پس از حمله بر کارگران هزاره در ماچ، صبا در کوئته جلسات مشاوره روانی را برای خانواده‌ها آغاز کرد. هدف جلسات این بود که پتوی ترس را از روی آن‌ها پس زند و آن‌ها را متقاعد کند که به دختران‌شان اجازه بازی دهند.

صبا به من گفت که این جلسات با هماهنگی مدیر مکتب دختران برگزار می‌شد و مشاوره‌دهندگان از طریق یک رویکرد سنجیده‌شده به والدین دختران کمک کردند که نقش مهم فوتبال را در زندگی دختران‌شان درک کنند.

صبا گفت: «به آن‌ها می‌گفتم که این دختران پریشان هستند و باید از این وضع برآیند. آن‌ها باید فوتبال بازی کنند و خارج از فضاهای محدود، تجربه کسب کنند تا در مورد خود احساس بهتری داشته باشند.»

شمسیه گفت که تغییر محیط و شرکت در مسابقات کراچی به تقویت اعتماد به نفس وی کمک کرده است.

او به من گفت: «من با آدم‌های بیگانه ملاقات می‌کنم، از سایر بازیکنان چیزهای زیادی می‌آموزم و از انگیزه‌ی آن‌ها برای بازی انگیزه می‌گیرم. از نظر روانی احساس می‌کنم که اکنون می‌خواهم در همه سطوح فوتبال عالی

بدرخشم.»

علی هندوست ۴۰ ساله، پدر یکی از بازیکنان تیم است. برخلاف اکثر خانواده‌هایی که مایل نبودند دختران‌شان به کراچی و مسابقات فوتبال بروند، هندوست مشتاق دیدن پشت‌کار و زحمت‌کشی دخترش است.

هندوست که پدر پنج فرزند است، گفت: «مردم نگران جان خود هستند. اما من فکر می‌کنم که ما نباید با چنین رویکرد منفی زندگی کنیم. پیشرفت تنها در صورتی حاصل خواهد شد که به زنان و مردان فرصت برابر داده شود.»

دختر ۲۰ ساله هندوست دو سال است که فوتبال بازی می‌کند.

آقای هندوست به من گفت: «او در مکتب خیلی ساکت بود، اما همیشه در ورزش مهارت داشت. بنابراین او را تشویق کردم که برای فوتبال تمرین کند. می‌خواهم از او در همه‌ی تلاش‌هایش حمایت کنم و در همه موفقیت‌هایش در کنارش باشم. دختر دیگرم ورزش‌های رزمی انجام می‌دهد.»

غیرقابل‌پیش‌بینی بودن وضعیت

به رغم ایجاد ایست‌های بازرسی و تلاش برای تأمین امنیت ایالت بلوچستان، خشونت و حملات هدفمند علیه هزاره‌ها در این ایالت همچنان ادامه دارد. خانم حیدر می‌گوید که وضعیت برای هزاره‌ها همچنان غیرقابل‌پیش‌بینی است.

او می‌گوید: «ما نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که وضعیت بهتر می‌شود. گاهی اوقات برای مدتی از این‌که اتفاقی نیفتاده احساس آرامش می‌کنیم. اما باز ناگهان حادثه‌ای اتفاق می‌افتد. هزاره‌ها باید احساس امنیت داشته باشند و سرمایه‌گذاری انسانی در همه سطوح ضروری است. ما به توانمند شدن و فرصت‌های برابر نیاز داریم و از این طریق می‌توانیم به اقتصاد کشور نیز کمک کنیم.»

در همین حال، شمسیه و صغرا آرزو دارند فوتبال را ادامه داده و در سطح بین‌المللی بازی کنند.

آن‌ها گفتند: «هرکسی آرزوهای دارد، ما هم. و ما مطمئن هستیم - وقتی پس از آن همه سختی و کمبود منابع، توانستیم در مسابقات کراچی شرکت کنیم - که اگر وضعیت بهتر شود چقدر می‌توانیم پیشرفت کنیم.»



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی

ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
آمریت تدارکات
مدیریت عمومی تدارکات اجناس

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
د مخابراتو او معلوماتی تکنالوژی وزارت



موضوع: اعلان داوطلبی خریداری تجهیزات پروژه مرکز تبادل انترنت (NIXA):

موضوع: اعلان داوطلبی خریداری تجهیزات پروژه مرکز تبادل انترنت (NIXA)، نمبر داوطلبی: MCIT/1400/NCB/G-15، نوع قرارداد: بالمقطع،

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه خریداری تجهیزات پروژه مرکز تبادل انترنت (NIXA) اشتراک نموده و آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات طور سربسته الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر مورخ ۲۵/جوزا/۱۴۰۰ به دفتر ریاست تدارکات منزل ۱۴ تعمیر ۱۸ منزله وزارت مخابرات محمدجان خان‌وات ناحیه دوم شهر کابل ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و از طریق ایمیل قابل پذیرش نمی‌باشد. و همچنان داوطلبان می‌توانند شرطنامه را از وبسایت اداره تدارکات ملی WWW.NPA.GOV.AF و وبسایت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی WWW.MCIT.GOV.AF دریافت نمایند و همچنان داوطلبان می‌توانند از طریق فلش شرطنامه را از مدیریت عمومی تدارکات منزل ۱۴ اخذ نمایند.

داوطلبان تضمین آفر را به شکل تضمین بانکی که به مبلغ شصت و دوهزار و نهصد (۶۲,۹۰۰) افغانی مطابق مندرج شرطنامه در جلسه آفرگشایی ارائه نمایند.

جلسه آفرگشایی به ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر مورخ ۲۵/جوزا/۱۴۰۰ به دفتر ریاست تدارکات منزل ۱۴ تعمیر ۱۸ منزله تدویر می‌گردد.

پیامدهای بمب‌گذاری یک مکتب دخترانه در غرب کابل بر روند صلح

آیا ایالات متحده می‌تواند بدون حضور نظامی زنان و اقلیت‌های افغانستان را در محافظت از حقوق‌شان کمک کند؟

و سریع نظامی طالبان است که می‌تواند یک اثر زنجیره‌ای ایجاد کند و منجر به فروپاشی دولت شود. این امر مستلزم این است که ایالات متحده متحدان ناتو را وارد تعامل کند و به کمک‌های نظامی زیادی برای پشتیبانی از نیروهای ملی امنیتی افغانستان در برابر حملات مهم طالبان، ادامه دهند.

حمله به مکتب در غرب کابل نشان می‌دهد که چگونه طغیان طالبان جهتی را برای جنایات تروریستی توسط گروه‌های مختلف ایجاد می‌کند. از آنجا که طالبان نیروهای ملی امنیتی افغانستان را روی پا نگه‌داشته و فضاها را غیردولتی ایجاد می‌کنند، فرصت کافی برای حمله به نیروهای افغان و اهداف غیرنظامی را در اختیار ستیزه‌جویان خود و سایر گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد. قانون پیش‌گیری از جرم نسل‌کشی الی ویزل که در ۲۰۱۸ به نشر رسیده است، خواستار تلاش‌های دولت ایالات متحده جهت «افزایش ظرفیت ایالات متحده برای جلوگیری و پاسخ‌گویی به جنایات در سراسر جهان است.» در همین راستا، حتا با کاهش حضور نیروهای امریکایی، ایالات متحده باید از هرگونه اهرم فشار برای جلوگیری از وقوع مجدد قتل‌عام مانند بمب‌گذاری هشتم می‌استفاده کند.

این درس بزرگ‌تر برای همسایگان ایالات متحده و افغانستان نیز وجود دارد: اگر جنگ کنترل نشود و به یک راه حل سیاسی نرسد، هدف بعدی می‌تواند اسلام آباد یا واشنگتن یا لندن باشد، نه یک مکتب دخترانه در کابل. هیچ یک از همسایگان یا بازیگران منطقه‌ای نمی‌خواهند در افغانستان یک امارت اسلامی احیا شود، یا این کشور در کام یک جنگ داخلی دیگر سقوط کند. «تروییکا پلاس» (ایالات متحده، روسیه، چین و پاکستان) «بیانیه‌ای محکمی در این زمینه صادر کردند و ایرانیان نیز بارها در بیانیه‌های رسمی این موضوع را صریح اعلام کرده‌اند.

روند صلح افغانستان به رهبری امریکا اقدامات زیادی در جهت مشروعیت‌بخشیدن به طالبان انجام داده است که طالبان در استفاده از آن مهارت دارند و برای آن ارزش بسیار قابل‌اند. پیام‌های بین‌المللی باید بر این واقعیت متمرکز شوند که اگر طالبان بر ترتیبات بالقوه تقسیم قدرت تسلط داشته باشند و سعی در سرکوب شهروندان افغانستان، به‌ویژه زنان و اقلیت‌ها کنند، آن‌ها به سرعت به وضعیت «طرشدگی» قبلی برمی‌گردند.

سرانجام، وخامت اوضاع امنیتی همراه با تأثیر مخرب خشک‌سالی، به منابع قابل توجهی بیشتر و آماده‌سازی برای برنامه‌های واکنش بشردوستانه در مناطق تحت کنترل دولت و طالبان نیاز دارد. این به معنای تعهد پول جدید و نه تنها آزادکردن ۳۰۰ میلیون دلاری است که ایالات متحده قبلاً متعهد شده بود اما پس از آن از آن صرف‌نظر کرد، بلکه بانک جهانی نیز باید یک از تشکیل یک کنفرانس اهداکنندگان برای بحث در مورد اولویت‌های بودجه‌ای و ارائه بهترین سازوکارها برای تأمین نیازمندی‌ها پشتیبانی کند.

بلقیس احمدی با بیش از ۲۰ سال تجربه کار در زمینه‌های مربوط به جنسیت، حقوق بشر، توسعه جامعه مدنی، حاکمیت قانون، حکمرانی و دموکراسی، فعلاً مدیر ارشد برنامه‌های انستیتوت صلح ایالات متحده است.

فاطمه احمدی مأمور برنامه‌های انستیتوت صلح ایالات متحده در دفتر کابل است.

منبع: انستیتوت صلح ایالات متحده



این حمله در سراسر جامعه هزاره چگونه طنین‌انداز شده است؟

این نوع حملات این عقیده را در بین گروه قومی هزاره تقویت می‌کند که این کشور با یک کارزار پاک‌سازی قومی روبه‌رو است و یا این که در درون دولت افغانستان هیچ‌گونه نگرانی در خصوص رفاه و امنیت آن‌ها وجود ندارد. به‌عنوان مثال، مدیر مکتب سیدالشهدا ماه‌ها پیش از وزارت معارف درخواست کرده بود که در استخدام محافظان امنیتی مسلح برای این مکتب و سایر مراکز آموزشی در منطقه مورد حمله، کمک کند. فعالان هزاره داستان‌ها، سناریوها، سخنرانی‌های سیاسی و تجربیات گذشته را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند تا نشان دهند که بین حملات بر مراکز آموزشی در غرب کابل و تبعیض سیستماتیک علیه جامعه هزاره در سراسر کشور، روابط بسیار گسترده وجود دارد. این حمله همچنین منجر به افزایش ترس از آسیب‌پذیری هزاره‌ها با خروج نیروهای بین‌المللی شده است. هزاره‌ها - یک قومیت اقلیت [عمدتاً] شیعه، فارسی‌زبان در افغانستان - مدت‌هاست که توسط طالبان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. هزاره‌ها مانند دیگر گروه‌های اقلیت قومی، نیروهای بین‌المللی را به‌عنوان یک محافظ در برابر حملات شبه نظامیان می‌دانستند، اما اکنون بسیاری‌ها احساس واگذاشتن می‌کنند.

چگونه ایالات متحده و جامعه جهانی می‌توانند در محدودکردن چنین حملاتی و حفظ دستاوردهایی ۲۰ ساله‌ی زنان، در غیاب یک ردپای نظامی بزرگ، کمک کنند؟

افغانستان امروز با افغانستان ۲۰ سال پیش بسیار متفاوت است. طالبان نمی‌توانند انتظار داشته باشند که مانند دهه ۱۹۹۰ جهان‌بینی ناهنجار خود را به افغانستان تحمیل کنند. اما ارج‌نهادن به فداکاری‌ها و سخت‌کوشی‌های مردان و زنان افغان برای اعاده‌ی حقوق اساسی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با محافظت از جمهوری اسلامی افغانستان و نظم قانون اساسی که بسیار به سختی به‌دست آمده است، مساوی است.

بنابراین، اولویت اصلی حمایت از دولت افغانستان و به‌ویژه نیروهای امنیتی ملی افغانستان برای جلوگیری از دستاوردهای عمده

می‌شود.

همچنان اگر طالبان خواست‌ها برای آتش‌بس را نادیده بگیرند، اهداف خود را تضعیف می‌کنند. در واقع طالبان قبل از امضای توافق‌نامه با ایالات متحده، از این وضعیت خود که طرد شده بودند، متنفر بودند و اکنون از دیده‌شدن به‌عنوان گفت‌وگوکننده‌های محترم لذت می‌برند. در صورت دوام سازمان‌دهی حملات و محروم‌کردن زنان و دختران از حقوق اساسی‌شان، از جمله حق برابر تحصیل، جامعه بین‌المللی می‌تواند تصمیم بگیرد که با آزادی بیشتر زندانیان طالبان، مخالفت کند، تعامل با طالبان در سطوح ارشد دیپلماتیک را متوقف کند و تحریم‌های سازمان ملل را پابرجا نگه‌دارد.

حمله به دانش‌آموزان دختر، آسیب‌پذیری اقلیت‌های مذهبی و قومی را نشان می‌دهد، زیرا با خروج نیروهای خارجی از کشور، مسئولیت‌های نیروهای امنیتی افغانستان در تحصیل دختران متفاوت است، اما اجماع ملی شدیدی در خارج از محافل طالبان وجود دارد که همه دختران باید به آموزش دسترسی داشته باشند. این بمب‌گذاری توسط اکثر افغان‌ها به‌عنوان یک وحشی‌گری و حمله غیرقابل قبول در حق تحصیل دختران تلقی می‌کند.



دانش‌آموزان دختر در مکتب مارشال دوستم در شبرغان، افغانستان، جایی که بیش از دوهزار دختر از مناطق درزاب و فوش‌تپه در آنجا تحصیل می‌کنند. عکس از کیانا حابری/ نیویورک تایمز

بلقیس احمدی و فاطمه احمدی

مترجم: فاطمه فرامرزی

بمب‌گذاری ویرانگر هشتم ماه می در بیرون یک مکتب در محله دشت برچی در کابل که محل زندگی گروه اقلیت هزاره است، بخشی از روند نگران‌کننده حملات در این منطقه است. این بمب‌گذاری که دست‌کم ۸۵ کشته و حدود ۱۵۰ زخمی - بیشتر دختران جوان - در پی داشت، با نگرانی از افزایش خشونت هنگام خروج نیروهای جنگی ایالات متحده از افغانستان هم‌زمان شد. اگرچه هیچ گروهی مسئولیت این بمب‌گذاری را به عهده نگرفته است، اما گروه دولت اسلامی (داعش) در گذشته حملات مشابهی را انجام داده است و بسیاری گمان می‌کنند که این مسئولیت بار دیگر به این گروه برمی‌گردد.

بلقیس احمدی و فاطمه احمدی از انستیتوت صلح ایالات متحده به این پرداخته‌اند که پیامدهای این حمله برای روند صلح چیست، تأثیر آن بر جامعه هزاره چگونه است و ایالات متحده و جامعه جهانی چه کارهایی برای کمک به محافظت از آنچه که زنان و اقلیت‌های افغانستان در ۲۰ سال گذشته به‌دست آورده‌اند، می‌توانند.

پیام بمب‌گذاری هشتم ماه می که با خروج نیروهای خارجی هم‌زمان شده است، چیست؟

بمب‌گذاری در مکتب سیدالشهدا در دشت برچی در غرب کابل به‌صورت عمدی، هماهنگ و برای حداکثر تأثیرگذاری برنامه‌ریزی شده بود. این بمب‌گذاری دختران جوان هزاره را در محله‌ای که اکثر خانواده‌های باشندی آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند، هدف قرار داد. اگرچه هیچ گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفت و طالبان نیز دست‌داشتن در این حمله را انکار کرد، اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان این گروه جنگ‌جو را مقصر دانست و گفت این گروه نشان می‌دهد که آن‌ها با جدیت به دنبال حل و فصل سیاسی در درگیری‌های افغانستان نیستند. در سال‌های اخیر، داعش مسئولیت این نوع حملات به هزاره‌ها را بر عهده گرفته است.

حمله به دانش‌آموزان دختر، آسیب‌پذیری اقلیت‌های مذهبی و قومی را نشان می‌دهد، زیرا با خروج نیروهای خارجی از کشور، مسئولیت‌های نیروهای امنیتی افغانستان در جنگ با طالبان بسیار افزایش یافته است. افزایش خشونت در کشور بر زندگی همه‌ی مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و کودکان تأثیر می‌گذارد. حملات به غیرنظامیان نشان می‌دهد که طالبان و سایر گروه‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف خود به خشونت ادامه خواهند داد. این مهاجمان با حمله به مراکز آموزشی می‌خواهند حق تحصیل دختران را از آن‌ها بگیرند.

اگر درسی هست که باید از این حادثه دلخراش و دیگر حملات گذشته آموخت، این است که دختران افغانستان با رفتن به مکاتب و دانشگاه‌ها، همچنان مقاومت خود را نشان می‌دهند، حتا اگر این امر به معنای به خطر انداختن جان‌شان باشد.

این‌گونه حملات چه پیامدهایی برای روند صلح دارد؟

افزایش خشونت روند صلح را بیشتر از پیش تضعیف و پیچیده می‌کند. جوامع محلی، به‌ویژه گروه‌های مذهبی و قومی احتمالاً امور را خودشان به‌دست می‌گیرند. به‌خصوص